شادروان امیر قلی امینی (مرد خود ساخته اصفهانی)

دولت آبادی، حسام الدین

امینی بسال 1277 شمسی برابر 1317 قمری در یک خانواده اصیل اصفهان متولد گشت.از هوش سرشار و استعداد بسیار برخوردار بود.با اینکه از آغاز جوانی روی حادثه‏ دردناک مرگ برادر آزاده نامدارش بیمار و دچار ضعف عظام گشت و در شصت سال دوران‏ اخیر زندگی از هر دو پا فلج بود.

یک روز در عمرش از کوشش و کشش فارغ ننشست.تحصیلات خود را در عربی و فارسی به پایه عالی رسانید.چنانچه ترجمه و تألیفات آنمرحوم مانند عروس فرغانه و دوره امثال و حکم بسیار ارزنده است.همان اوان زبان فرانسه را نیز تا حدی که از کتابهای‏ علمی استفاده کند تحصیل نمود و یک روز را دور از کتاب و قلم بسر نبرد.با نگارنده شصت سال‏ آشنائی،دوستی رفاقت و همکاری مفید در خدمات عمومی و اجتماعی داشت انتشار روزنامه‏ سیاسی اخگر اصفهان بسعی و کوشش پی‏گیر آنمرد پرکار انجام و همواره نمونه بارزی از یک‏ نشریه آبرومند برای اصفهان و ایران بود در تأسیس شیر و خورشید اصفهان و ایجاد پرورشگاه‏ یتیمان تلاشهای عاشقانه کرد تا عمارت پرورشگاه را ساخت.

در این شصت سال اخیر پیوسته میان مردم اصفهان با خوشنامی زیست.مکرر بعضویت‏ انجمن شهر انتخاب و منشأ خدمات مؤثر گردید.نشانهای ارزنده علمی و لیاقت دریافت‏ داشت ولی برای او روح بزرگ میهن دوستی و عشق بخدمات اجتماعی تا دم واپسین زنده‏ و فروزان بود.امینی روی حساسیت فوق العاده زندگی زود رنج بود ولی هیچگاه آزارجوئی‏ و حسد نداشت و در اولین برخورد همه آزرده خاطریهای خود را میریخت و همان مرد شجاع‏ مهربان در قالب کمال صفا و دوستی استوار و پا برجا میماند.

امینی در تشکیل خانواده بسیار موفق و کامروا بود-زیرا خانم مهربانش او را با حساسترین عواطف انسانی.با گشاده‏روئی و مهربانی پذیرائی و پرستاری میکرد.فرزندان‏ برومندش از دختر و پسر همگی نونهالان برومند از آندرخت کهن میباشند و همگی بکسب‏ تحصیلات عالیه راه یافته و هم اکنون خدمات حساس بر عهده همت دارند.

و این بهترین یادگار است که از آن خدمتگذار راستین در شهر زیبای نامی اصفهان و مردم خدمتگذار آن باقی خواهد ماند و امیدوارم با سربلندی زندگی کنند.

امینی روز پنجم خردادماه 1357 شمسی برابر 20 رجب 1398 قمری در شهر اصفهان‏ جان بجان آفرین تسلیم و عازم کوی جانانه شد.روانش شاد که آمرزش حق را سزاوار است.

بیاد اولین سال درگذشت امینی،دوست صدیق ارزنده‏ام و خدمتگذار صمیمی‏ اصفهان-تهران خردادماه 1358 حسام الدین دولت آبادی.

ماده تاریخ فوت روان شاد امیر قلی امینی.

امینی کی ز بزم دوستان رفت‏ کجا آن راد مرد نکته‏دان رفت‏ گل شاداب باغ زندگانی‏ چه شد کاینسان بتاراج خزان رفت‏ چرا خورشید آن شاخ برومند چه ارزان آن کهن نخل گران رفت‏ کلام نافذش سحر بیان داشت‏ ولی آوخ که از نطق و بیان رفت‏ مداد خامه‏اش آب روان بود ولی افسوس کلکش از بنان رفت‏ دریغا زآن ادیب بی‏همانند کز این محفل بمرگ بی‏امان رفت‏ تنی پرتاب و عزمی آهنین مرد دلی آگاه و جانی مهربان رفت‏ امینی طرفه گنجی شایگان بود که از دست صفاهان رایگان رفت‏ پس از هشتاد سال آهنگ و کوشش‏ کز این دنیای دون سوی جنان رفت‏ حسام-آورد تاریخش بهجری‏ امینی کی زبزم دوستان رفت